

عنوان مقاله:

پدیدارشناسی تصویر هنری در نقاشی معاصر- (شناخت نقاشی معاصر بر مبنای نظریه تصویر شعری گاستون باشلار)

محل انتشار:

مجله هنرهای زیبا: هنرهای تجسمی، دوره 22، شماره 3 (سال: 1396)

تعداد صفحات اصل مقاله: 8

نویسندگان:

آتوسا اعظم کثیری - گروه ارتباط تصویری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران

نبراس وفالبدری - گروه آموزش هنر، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تکریت، صلاح الدین، عراق

خلاصه مقاله:

این تحقیق به مطالعه پدیدارشناسی تصویر هنری در نقاشی معاصر بر اساس نظریه تصویر شعری گاستون باشلار می پردازد. هدف آن تبیین پدیدارشناسی تصویر هنری معاصر در آفرینش، وجود و تعالی آن است و مبتنی بر سه محور می باشد؛ نخست به آفرینش تصویر هنری، به عنوان ترکیبی از عینیت و ذاتیت، می پردازد. سپس تصویر هنری را کوششی برای هستی شناسی مستقیم می پندارد، سپس به بررسی وجود آن به عنوان کوششی برای پدیدارشناسی روح می پردازد. نتایج بحث چنین است: ۱. پیدایش تصویر هنری حاصل تبادل وظائف بین ماده و اندیشه (عینیت و ذاتیت) است؛ یعنی پدیدارگرایی و تصویر هنری معاصر، هم ذات پنداری بین تعبیر و معنا است. ۲. تصویر هنری معاصر، اتفاق لحظه ای و اوج آگاهی و کوشش در جهت هستی شناسی مستقیم است؛ مستقل از قانون علیت؛ ارتباط بین تصویر هنری جدید و صورت مثالی ناخودآگاه آن، علی نیست؛ نه جای گزین ساده ای برای واقعیت عینی است و نه نماد آن؛ تصویر هنری تبیین می کند، زیرا بدون تاریخ است؛ اما نمادگرایی تاکید می کند، زیرا مملو از تاریخ است. ۳. نقاشی معاصر بیش تر بر پدیدارگرایی روح تمرکز می کند تا برپدیدارگرایی عقل؛ زیرا ناخودآگاه، منشا آگاهی و مقدم بر آگاهی و نیز دارای ماهیتی پدیدارشناختی است؛ یعنی ماده اثر هنری در آن واحد همان علت مادی و صوری است.

کلمات کلیدی:

پدیدارشناسی، تصویر هنری، تصویر شعری، نقاشی معاصر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1775488>

